

# تاریخ تمدن ایلام !!



## حلقه می‌کم شده تمدن خاور میانه

### بخش یکم

ق.م سرزمین‌های این پادشاهی را وسعت دادند. شوش پایتخت آن‌ها همان قصر شوشان است که در تورات و در کتاب «استر» از آن نام برده شده است.

#### ایلامی‌ها در میان مردم خاور

نزدیک از نوعی فرهنگ، تمدن، حکومت و اصولی پایه‌ای و قانون‌مند در اداره سرزمین‌شان برخوردار بودند که توانستند به مدت ۲۰۰۰ سال دوام بیاورند. عمری بسیار طولانی برای حاکمیت

یک قوم در یک سرزمین که برای کم‌تر سلسله و یا قومی این موقعیت پیش آمده است.

**بیش‌تر از ده‌بار نام ایلام** در تورات آمده است. در «سفر پیدایش» و «اعمال رسولان» بارها از ایلام گفته

پاسخ قانع‌کننده‌ای در دست نیست. اما آن‌چه که بی‌گمان و آشکار است حضور این نژاد در محدوده‌ای از جغرافیای تاریخی جهان می‌باشد که به ناچار به یکی از دو نژاد موجود و ریشه‌دار این قسمت از جهان باید



وابسته باشند.  
**این نژاد در** کوهستان‌های میان خلیج فارس و دریای خزر به گذران زندگی مشغول بوده‌اند. در هزاره سوم ق.م این قبیله حکومتی به وجود آوردند و در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی دوم

#### پیش‌گفتار

در حدود سه هزار سال قبل از میلاد، در دشت کارون، دولت قدیم ایلام یا «ایلام» (ELAM) که پایتخت آن شهر شوش یا سوس بود تشکیل شد. حکومت ایلام از سوی

برخی تاریخ‌نگاران و تاریخ‌پژوهان به نام «سوزیان» خوانده شده است. پژوهش‌های تاریخی نژادشناسان از ریشه‌های نژادی مردم ایلام نشان می‌دهد که این تیره از نژاد بشری که در بستری از پیش‌رفته‌ترین

تمدن‌های ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در این محدوده جغرافیایی زندگی می‌کرده‌اند نه سامی بوده است و نه آریایی «هندواروپایی». **این که ایلامی‌ها** به کدام تیره از نژادهای انسانی تعلق دارند تا امروز

شده است. در کتاب دانیال نبی نیز درباره ایلام مطالبی آمده است که برای بررسی‌های تاریخی مأخذ بسیار مفیدی می‌باشد.

**کشور ایلام قدیم** شامل مناطقی مانند: خوزستان، لرستان، پشت کوه، و بخشی از عراق امروزی کوه‌های بختیاری بوده است. محدوده جغرافیایی ایلام از غرب به رود دجله، از شرق به قسمتی از پارس، از شمال به راه بابل به همدان و از جنوب به خلیج فارس محدود بوده است.

**ایلام از سمت خلیج فارس** به سوی شمال به تدریج ارتفاع می‌گیرد تا در کوه‌پایه‌های لرستان به بالاترین سطح ارتفاع می‌رسد که بلندترین نقطه‌ی آن حدود ۱۷۰ متر است.

**دشت بزرگ ایلام** به علت برخورداری از آب دجله و شاخه‌های فرعی آن بسیار آباد و حاصل‌خیز بوده و در تاریخ به عنوان انبار غله و گندم، میوه و سایر فرآورده‌های کشاورزی خوانده می‌شده است.

**پادشاهان ساسانی** پس از تسلط بر این دشت حاصل‌خیز بین سال‌های ۲۲۴ تا ۶۳۸ میلادی با استفاده از اسیران جنگی رومی اقدام به ساختمان سد روی این رودخانه‌ها کرده و به ترویج بسیار گسترده کشاورزی در سرتاسر این دشت حاصل‌خیز پرداختند و بانوآوری و به‌سازی سیستم‌های کشاورزی گذشته،

میزان حاصل‌خیزی خاک و زمین‌های این ناحیه را به چندین برابر رساندند. **هزارها سال پس از آن تاریخ** و بعد از یک توقف و خاموشی ویران‌گر، با پیداشدن چاه‌های نفت در این سرزمین و آمدن صنعت نفت همه‌چیز این دشت دگرگون شد و اوضاع اقتصادی و کشاورزی آن کاملاً تغییر یافت.

**دشت ایلام از دوران قرون وسطا** خوزستان نامیده شد و یک بار دیگر به علت حاصل‌خیزی خاک و آب آن مورد توجه قرار گرفت.

**در سرزمین ایلام** یا «سوزیان» سه رودخانه‌ی بزرگ عبور می‌کردند: **اول = کرخه** که غربی‌ترین رودخانه‌ی جاری در دشت سوزیان بود که آب آن شیرین و بسیار مورد توجه قرار داشت

**دوم = رود میانی** این سرزمین امروز «دز» نام دارد که بخش‌های وسیعی از دشت ایلام را آبیاری می‌کرد.

**سوم = بزرگ‌ترین رود** این ناحیه که در غربی‌ترین بخش این دشت قرار داشت. بسیار بزرگ و پهن بود. امروز «کارون» نامیده می‌شود و به علت پهنای زیاد محل رفت و آمد کشتی‌ها بود. کارون در خرمشهر، جایی که دجله و فرات به هم می‌پیوندند به ارون رود پیوسته و در پایان به خلیج فارس می‌ریزد.

**شهرهای مهم** ایلام شامل شوش، ماداکتو (روی رود کرخه)، خایدالو (در محل خرم‌آباد کنونی) و اهواز بوده‌اند.

شهر شوش مرکز ایلام، شامل چهار قسمت بود: ارک یا قلعه‌ی شوش، قصرهای شاهان هخامنشی، محله‌ی تجاری، محله‌ای در طرف راست رود کرخه.

**بخشی را که شهر شوش** در آن واقع بود به مناسبت اهمیت آن شهر، سوزیان خوانده‌اند. شوش روزگاری بسیار با عظمت بود. مذهب، علوم و صنایع مردم این شهر در اندازه‌های بود که با تمدن‌های بزرگی چون: بابل و آشور برابری می‌کرد.

**اکنون از شوش** جز تلی ویرانه چیز دیگری به جای نمانده است؛ اما در روزگاری این سرزمین محل تلاقی تمدن‌های بزرگ، شاه‌راه‌های بازرگانی، سوداگران، صنعت‌گران، هنرمندان، دانش‌مندان و زنان و مردان تاریخ‌ساز بوده است. در جای‌جای سرزمین شوش امروزی و در فاصله‌ی چند متری زمین آثار گران‌بهایی از چندین تمدن خاک شده در بستر دشت‌های گسترده ایلام که امروز شوش و خوزستان نامیده می‌شود وجود دارد که نشان‌های آشکاری از حضور یک زندگی پرشکوه و تمدن بزرگ در این منطقه بوده است.

۳۵

سال پنجم بهمن و اسفند ماه - خنجره - اهواز

فردوسی

## پیشینه‌ی تاریخی ایلام

نام ایلام در زبان بومی قدیم «حالتامتی» (HAALTAAMTI)، در کتیبه‌های ایلامی هخامنشی و اکدی «الامتو» (ELAAMTO)، در تورات «الام» و از قرن سیزدهم قبل از میلاد تا آغاز دولت هخامنشی «انسان سوسونکا» یعنی کشور انشان و شوش ذکر شده است. آشوری‌ها و

بابلی‌ها تمام این سرزمین را در قدیم «ایلام» می‌نامیدند. تاریخ نویسان معاصر زمان هخامنشی نام ایلام را «سوزیانا» و مورخین اشکانی و ساسانی «سوزین» و «سوزیانا» نوشته‌اند.

بابلی‌ها قسمت مرتفع سرزمینی را که در شرق بابل قرار داشت «الامتو»

(ELAAMTO) یسا «الام» (ELAAM) یعنی کوهستان و شاید «کشور طلوع خورشید» یعنی مشرق می‌نامیدند. مردم شوش، پایتخت ایلام را «آنزان سوسونکا» می‌خواندند. در واقع آنان کوهستان‌های شمال، شرق و جنوب شرقی را «آنزان» یا «انشان» می‌نامیدند اما قسمت دشت و شهر شوش «شوشون» نام داشت. سومری‌ها حروف اختصاری نیم NIM را برای ایلام به کار می‌بردند که به معنی «بالا»

است. به این ترتیب، برای ساکنان بین‌النهرین، ایلام واقعی در «بالا» و قسمت کوهستان قرار داشت نه در سوزیان و یا دشت آن.

چنان‌چه اشاره شد، ایلامی‌ها نام کشورشان را به الفبای میخی «حالتامتی» «هل.تا.ام.تی» می‌نوشتند که به معنی «زمین خداوند» می‌باشد.



## نژاد ایلام

شناخت اصل و منشأ مردم ایلام که مادها و پارس‌ها آن‌ها را خوجه، خوز و هوز می‌نامیدند دشوار است. منابع نشان می‌دهد که ایلامی‌ها، ایلامی بوده‌اند، نژادی با استقلال‌ی خدشه‌ناپذیر. اما به نظر می‌رسد که با سایر اقوام آسیایی یا قفقازی نواحی زاگرس مثل گونی، لولوبی و کاسی ریشه‌های مشترکی داشته‌اند. «د. مورگان» ساکنان اولیه‌ی ایلام را از سیاهان حبشی می‌داند و معتقد

است که این نژاد سرزمین خود را در اختیار فاتحان گذاشتند و با آن‌ها درآمیختند و نژاد دورگه‌ای به وجود آوردند.

اما حداقل سه نژاد در ایلام مشخص شده است. برخی سفید پوست، گروه دوم قهوه‌ای و گروه سوم بسیار تیره و تقریباً سیاه پوست بوده‌اند.

به نظر می‌رسد که حتا جمعیت

ایلام قدیم هم جمعیت مختلطی بوده است و از غیربومیان سیاه پوستی تشکیل می‌شده که نژادشان معلوم نیست و از سالیانی طولانی از زمان اکدی‌ها به بعد (قرن ۲۵ قبل از میلاد) از بین‌النهرین به ایلام نفوذ کرده بودند.

سفیدپوستان نیز پارسی‌هایی بودند که به ایلام رفته بودند. اما قهوه‌ای پوست‌ها ممکن است نمایانگر ایلامی‌های کوه‌نشین باشند که امروز به عنوان لر‌ها باقی هستند و در شمال سوزیان و در شرق و جنوب بختیاری فعلی ساکن می‌باشند. بیش‌تر لر‌ها سیاه مو و قهوه‌ای پوست هستند؛ نژادی خشن که به زندگی در کوهستان‌ها عادت دارند و از دشت نشینان کمی بلندترند. در نژاد آنان نشانه‌هایی از آمیزش با خون خارجی دیده می‌شود.

ادامه دارد